



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
پایان نامه دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پژوهش:

«مقاله شناسی توصیفی-انتقادی فردوسی و شاهنامه»
بر اساس فهرست مقالات ایرج افشار
تا پایان دفتر پنجم (۱۳۷۰)

استاد راهنما:

دکتر محمد جعفر یاحقی

استادان مشاور:

دکتر مهدخت پور خالقی چترودی
دکتر کاوس حسن لی

نگارش:

زهرا سید یزدی

این رساله در قطب علمی فردوسی شناسی و ادبیات خراسان تهیه شده است.

بهمن ماه ۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشکش به بارگاہ سلطان سریر ارتضا
حضرت علی بن موسی الرضا (ع)

سپاس نامه

اکنون که این رساله به پایان آمده، بر خود فرض می دانم از استاد دانشی و شاهنامه شناس آقای دکتر محمد جعفر یاحقی که راهنمایی این پژوهش را عهده دار بودند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. جایگاه والای ایشان در ذهن و دل من و عشق و علاقه وافر استاد به شاهنامه انگیزه مرا برای کار در حوزه شاهنامه پژوهی و فردوسی شناسی نیرو بخشید. از آغاز راه تا پایان از دانش و راهنمایی های ارزنده و تأثیرگذار ایشان بهره مند بودم. طول عمر، سلامتی و تحقق آرزوهای علمی و ادبی استاد را از توانای بی همتا خواستارم.

از استادان گران قدر سرکار خانم دکتر مهدخت پور خالقی و جناب آقای دکتر کاوس حسن لی نیز بسیار سپاسگزارم. اعتراف می کنم سهم این دو بزرگوار در سامان دهی این رساله فراتر از استاد مشاور بوده است. رهین لطف و محبت بی دریغشان هستم. از درگاه خداوند طول عمر و کامیابی این عزیزان را به دعا خواهانم.

استادان گرامی آقایان دکتر جعفر مؤید شیرازی، دکتر اکبر نحوی و دکتر سجاد آیدنلو برخی پرسش هایم را با آگاهی و فروتنی پاسخ دادند، سپاسگزارشان هستم. از پدر، مادر، همسر و فرزند عزیزم، آوا که به نوعی سختی های به انجام رسیدن این رساله را صبورانه تحمل کردند، بی اندازه سپاسگزارم.



بیمه تعالی

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: مقاله شناسی توصیفی و تحلیلی فردوسی و شاهنامه تا سال ۱۳۷۰

نام نویسنده: زهرا سیدیزدی

نام استاد(ان) راهنما: آقای دکتر محمدجعفر یاحقی

نام استاد(ان) مشاور: خانم دکتر مهدخت پورخالقی و آقای دکتر کاوس حسن لی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی	گروه: زبان و ادبیات فارسی	رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی
تاریخ تصویب: ۱۳۸۴/۹/۱۳	تاریخ دفاع: ۱۳۸۷/۱۱/۹	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد <input type="radio"/>	دکتری <input type="radio"/>	تعداد صفحات: ۱۰۳۳

چکیده رساله/پایان نامه:

یکی از ضروری ترین پژوهش ها و مطالعات بنیادی در عرصه فردوسی شناسی و شاهنامه پژوهی شناسایی و معرفی همه نوشته هایی است که در پیوند با فردوسی و شاهنامه به نگارش درآمده است.

در پیشگفتار رساله، اهمیت و ضرورت تحقیق، پیشینه پژوهش، اهداف و روش تحقیق بیان شده است. در مقدمه به طور خلاصه اهمیت کتاب شناسی و مقاله شناسی ها در پژوهش و تاریخچه ای از پیدایش کتاب شناسی بازگو شده است. سپس به برخی از صحیح ترین مطالب اساسی در پیوند با فردوسی و شاهنامه که از مقالات معتبر به دست آمده، اشاره شده و مهم ترین رویدادها و افراد مؤثر و جریان ساز در روند شاهنامه پژوهی ذکر شده است.

این رساله به معرفی و بررسی انتقادی ۱۰۰۷ مقاله می پردازد. هر مقاله حداقل در سه بخش مضامین اصلی، منابع اصلی و نقد و نظر، معرفی و بررسی شده اند. تأثیرات و بازتاب های مقالات اصیل در مقالات دیگر نیز نموده شده است. مقالات بر اساس موضوع، فصل بندی و در درون فصل ها بر اساس تاریخ تنظیم شده است. در نتیجه گیری و پیشنهادهای ضمن تحلیل دستاوردها و نشان دادن جاهای خالی پژوهش در میدان شاهنامه پژوهی، پیشنهادهایی در جهت رشد و غنای این عرصه ارائه شده است.

نمودارها و جدول ها که در نتیجه گیری آمده به خواننده امکان می دهد تا روند فردوسی شناسی و شاهنامه پژوهی تا سال ۱۳۷۰ را در یک نگاه کلی و به اجمال مشاهده کند.

کلید واژه:	امضای استاد راهنما:
۱. شاهنامه	
۲. فردوسی	
۳. مقاله	تاریخ:
۴. نقد	
۵. بازتابها	

پیشگفتار

۱.....	-اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۱.....	-پیشینه پژوهش.....
۲.....	-اهداف پژوهش.....
۲.....	-روش تحقیق.....
۴.....	-فرضیه های تحقیق.....
۶.....	مقدمه.....
۱۷.....	-زندگی نامه فردوسی.....
۱۳۷.....	-شرح و گزارش شاهنامه.....
۱۵۹.....	-تحلیل داستانی شاهنامه.....
۲۵۸.....	-زبان شاهنامه.....
۲۷۷.....	-واژه شناسی شاهنامه.....
۲۹۴.....	-متن شناسی شاهنامه.....
۴۱۶.....	-کلیاتی توصیفی درباره شاهنامه.....
۴۸۰.....	-مفاهیم شاهنامه.....
۶۲۶.....	-بلاغت و سبک شاهنامه.....
۶۴۲.....	-مطالعات تطبیقی شاهنامه.....
۷۰۰.....	-اساطیر شاهنامه.....
۷۱۹.....	-اعلام شاهنامه.....
۷۴۳.....	-ترجمه های شاهنامه.....
۷۵۱.....	-نقد آثار در پیوند با شاهنامه.....
۸۲۰.....	-شاهنامه و مردم.....
۸۳۲.....	-شاهنامه خوانی و نقالی.....
۸۴۳.....	-شاهنامه و متون.....
۸۴۸.....	-شاهنامه و هنرها.....
۸۷۴.....	-شاهنامه و ملل.....
۸۹۲.....	-یوسف و زلیخا.....
۹۰۴.....	-مقلدان شاهنامه.....

۹۰۸.....مقالات متفرقه

نتایج وپیشنهادها

۹۴۶.....توزیع زمانی مقاله ها

۹۴۹.....توزیع موضوعی مقاله ها

۹۵۲.....پیشنهادها

فهرست منابع

فهرست برخی منابع و مأخذی که در

۹۵۴.....نقد مقالات به آن ها استناد شده

۹۶۴.....نمایه مقالات بر اساس تاریخ نگارش

۱۰۳۰.....نمایه مقالاتی که یافت نشد

فهرست جدول ها و نمودارها

۹۴۶.....جدول شماره:توزیع زمانی مقاله ها

۹۴۹.....جدول شماره ۲:توزیع موضوعی مقاله ها

۹۴۸.....نمودار شماره ۱: توزیع زمانی مقاله ها

۹۵۱.....نمودار شماره ۲: توزیع موضوعی مقاله ها

پیشگفتار

پایگاه و مقام والای حکیم و شاعر نامی زبان پارسی، فردوسی بر کسی پوشیده نیست، شاهنامه، شاهکار بی همتای او نه تنها میراثی گرانبها برای فارسی زبانان است، یکی از بزرگ ترین یادگارهای بشر نیز به شمار می رود.

نویسندگان و پژوهشگران بسیاری کوشیده‌اند تا موضوعات مختلفی را در شاهنامه بررسی کنند و شرحی از زندگی، اندیشه و روزگار پدید آورنده آن به دست دهند. از این رو تاکنون کتاب‌ها، مقاله‌ها، ترجمه‌ها و پایان‌نامه‌های فراوانی در حوزه فردوسی شناسی و شاهنامه پژوهی به نگارش درآمده است. اما هنوز جای بسیاری از پژوهش‌های بایسته و مطالعات بنیادی خالی است.

یکی از ضروری‌ترین پژوهش‌ها شناسایی و معرفی آثاری است که در پیوند با فردوسی و شاهنامه نوشته شده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

آثاری که در برگزیده کلیه منابع، مراجع و مقاله‌ها باموضوعی ویژه و همچنین تحلیل و نقد آن‌ها باشد، همواره مورد نیاز و توجه پژوهشگران ادب فارسی بوده است.

امروزه ضرورت و اهمیت تهیه کتاب شناسی‌ها و مقاله شناسی‌ها بر هیچ پژوهشگر و نویسنده‌ای پوشیده نیست. در بیش تر این گونه آثار تنها مشخصات ابتدایی کتاب و مقاله مانند عنوان، نام نویسنده، زمان و محل انتشار آرایه می‌شود و پرسش‌های گوناگونی بی پاسخ، رها می‌شود. این گونه تحقیقات تنها جست و جو را آسان تر می‌کند و چیزی از محتوای کتاب و مقاله به دست نمی‌دهد. در حالی که در اختیار داشتن تحلیل و بررسی یک پژوهش و آگاهی از گزیده آن سودمند و ضروری است. فردوسی و شاهنامه به دلیل اهمیت بسیار موضوعاتی هستند که به چنین پژوهشی نیاز دارند می‌باشد. این رساله که در آن ۱۰۰۷ مقاله معرفی و بررسی شده به همین منظور تدوین گردیده است.

پیشینه پژوهش

در زبان فارسی تاکنون موضوعات گوناگونی کتاب شناسی و فهرست نویسی شده است. کتاب شناسی فردوسی و بخش‌هایی از فهرست مقالات فارسی ایرج افشار در شناسایی مقالاتی که در پیوند با فردوسی و شاهنامه نوشته شده‌اند، قابل توجه می‌باشد، اما در این دو اثر تنها به فهرست نویسی از مشخصات عنوان مقاله‌ها بسنده شده است.

فرهنگ سعدی پژوهی تألیف دکتر کاووس حسن لی که در سال ۱۳۸۰ چاپ و منتشر شده، نوعی کتاب شناسی و مقاله شناسی است که با آثار گذشته تفاوت بنیادی

دارد. کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی شیوه‌ای تازه و نو بود که نخستین بار از سوی وی در حوزه سعدی پژوهی به کار گرفته شد. در این شیوه پژوهندگان علاوه بر نام و نشانی با محتوای آثار نیز آشنا می‌شوند، زیرا گاهی عنوان مقاله با مطالب همخوانی ندارد. به طور مثال «شاهنامه در قرن روشنایی» نام مقاله‌ای است درباره پیوند مردم لهستان با شاهنامه یا مقاله «روشنگر جان تاریک» که درباره دبیری و نامه نگاری در شاهنامه نوشته شده است.

در این اثر بجز محتوا منابع اصلی آثار نیز مشخص می‌شود. خوانندگان می‌توانند در صورت نیاز به اصل منابع مراجعه کنند هر مقاله به شیوه‌ای کوتاه، اما مفید نقد و بررسی می‌شود.

از خلال چکیده‌ها و نقد مطالب مقاله، راه برای پژوهشگران هموارتر می‌گردد. در سال ۱۳۸۵ خانم زینب نوروزی در رساله دکتری خود ۵۶۰ مقاله درباره نظامی را به همین شیوه بازبایی، معرفی و نقد کرده است. در رساله حاضر نیز ۱۰۰۷ مقاله درباره فردوسی و شاهنامه به شیوه توصیفی - تحلیلی و متأثر از شیوه فرهنگ سعدی پژوهی معرفی و بررسی شده است.

اهداف پژوهش

- ۱- بررسی مقاله‌های منتشر شده درباره فردوسی و شاهنامه از آغاز تا سال ۱۳۷۰ (بر اساس فهرست مقالات فارسی ایرج افشار)
- ۲- بررسی رویکردهای شاهنامه پژوهی و فردوسی‌شناسی در مقاله‌های این دوره زمانی به گونه‌ای علمی و انتقادی و مشخص کردن ارزش علمی آن‌ها.
- ۳- پیدا کردن و نشان دادن موضوعاتی که کم‌تر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.
- ۴- نشان دادن نتایج بررسی از زوایای مختلف به شکل نمودار و جدول تا رویکرد فردوسی‌شناسی به گونه‌ای دقیق و علمی باز نموده شود.

روش تحقیق

روش این پژوهش کتابخانه‌ای است. چون اساس این رساله بر فهرست مقالات ایرج افشار گذاشته شده است. از این جهت عنوان مقاله‌ها مشخص بود، به نظر می‌رسید کار یافتن مقالات آسان باشد، اما اطمینان از وجود مقاله‌ها جستجوهای مکرر در کتابخانه‌های متعدد از جمله: کتابخانه‌های ملی، مرکزی دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مجلس، آستان قدس، دانشکده ادبیات مشهد، میرزای شیرازی، مرکزی دانشگاه شهید باهنر کرمان، مرکزی دانشگاه اصفهان و دستغیب شیراز و ... را سبب شد.

پس از دستیابی به مقالات همه آن‌ها به دقت مطالعه و گاهی دو یا چند بار خوانده

- شده، سپس در شش بخش به شرح زیر معرفی و ارزیابی گردیده است.
- ۱- مشخصات مقاله (نام مقاله، نویسنده، محل انتشار، تعداد صفحه و ...) اگر مقاله‌ای با همان عنوان یا عنوان دیگر به گونه‌ای گزیده یا کامل در نشریه‌ای دیگر نیز منتشر شده باشد، زیر عنوان « چاپ یا چاپ‌های دیگر » معرفی شده و نشانی آن آمده است.
 - ۲- کلید واژه‌ها: واژه‌های کلیدی هر مقاله استخراج و ثبت شده است.
 - ۳- مضامین اصلی: عنوان بسیاری از مقاله‌ها گویای موضوع آن‌ها نیست و تنها زمانی می‌توان از مطالب مقاله آگاهی یافت که یا خود مقاله و یا خلاصه‌ای از آن دیده شود. به همین منظور برای همه مقاله‌ها، بخش مضامین اصلی در نظر گرفته شده است تا محوری‌ترین مطالب باز نموده شود.
 - ۴- منابع اصلی: برخی مقاله‌ها به منابع مورد استفاده خود اشاره نکرده‌اند یا فهرست منابعی که در پایان آمده با منابع واقعی استفاده شده در آن سازگاری ندارد، اما گاه در متن مقاله به منابع آن اشاره شده است. از این رو برای همه مقاله‌ها بخشی به عنوان منابع اصلی آمده است تا منابع اصلی در آن نوشته معرفی شود.
 - ۵- نقد و نظر: بررسی انتقادی مقاله‌هایی که تا سال ۱۳۷۰ در پیوند با فردوسی و آثار او پدید آمده‌اند، پس از جمع‌آوری و معرفی آن‌ها، مهم‌ترین هدف این پژوهش بوده است. در این بخش به پرسش‌های زیر پاسخ داده شده است:
 - موضوع مقاله تازه است یا تکراری؟
 - کدام نویسنده در طرح موضوعی خاص فضل تقدّم دارد؟
 - آیا عنوان مقاله با متن آن سازگار است؟
 - روش مقاله علمی و مستند است یا تنها انشاپردازی غیرعلمی است؟
 - آیا نویسنده به نوشته‌هایی که پیش‌تر درباره موضوع مقاله پدید آمده‌اند مراجعه و به آنها اشاره کرده است؟
 - عرضه مطالب در مقاله نظم و انسجام دارد یا نه؟
 - آیا نشانی منابع مورد استفاده ذکر شده است؟ در صورت یادکرد نشانی آیا یک دستی شیوه ارجاع در همه آنها رعایت شده است؟
 - د ر این بخش -مقالات از نظر محتوا با استناد به منابع معتبر نقد شده است.
 - به مواردی که از اثر دیگری بدون ذکر مأخذ استفاده شده، تصریح گردیده است.
 - به اشتباهات چاپی و نادرستی‌های نگارشی مقالات نیز اشاره شده است.
 - اگر مقاله پاسخ به یک مقاله یا کتاب یا نقد آن‌ها بوده، روش انتقاد و ارزش‌نقدها مشخص شده است.
 - ۶- تأثیرات و بازتاب‌ها: در این بخش آثاری که از مقاله مورد نظر بهره برده باشند با مشخصات کامل معرفی شده‌اند و اگر موردی یافت نشده، این بخش حذف شده است.

پس از بررسی مقالات به شرحی که گذشت مقاله‌ها بر اساس موضوع فصل‌بندی و درون فصل‌ها نیز بر اساس تاریخ چاپ تنظیم شدند. لازم به ذکر است در موضوع بندی گاهی مقاله ای قابلیت داشت در دو فصل قرار گیرد مانند مقاله «کتابی درباره فردوسی به زبان گرجی» نوشته کلینادزه که در آن نویسنده هم کتابی را معرفی کرده هم به پیوند مردم گرجستان با ادبیات فارسی و به ویژه شاهنامه اشاراتی کرده است. این مقاله می‌توانست در فصل شاهنامه و ملل نیز قرار گیرد، ولی چون عنوان مقاله و بخش اعظم آن معرفی کتابی درباره فردوسی بوده، در فصل نقد آثار در پیوند با شاهنامه قرار گرفته است.

فرضیه‌های تحقیق

- درباره اساطیر شاهنامه پژوهش کمی انجام شده است.
- قسمت‌های تاریخی شاهنامه کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.
- درباره زندگی فردوسی مقالات زیادی پدید آمده است.

مقدمه

اهمیت کتاب شناسی و مقاله شناسی و کاربرد آن در پژوهش از مسائل مورد قبول همگان است، کمتر پژوهشی بدون تکیه بر منابع و آثاری که در آن زمینه نوشته شده است به سامان خواهد رسید. کتاب شناسی و مقاله شناسی به تعیین موضوع و حدود آن نیز کمک می‌کند. از همین رو پس از انتخاب موضوع پژوهش، اساسی‌ترین مسأله مراجعه به منابع برای گردآوری اطلاعات است. بنابراین هر پژوهشگری برای به سامان رساندن پژوهش خود به مطالعه و بازبینی کلیه آثار مربوط به موضوع مورد نظر نیاز دارد، آگاهی از آن‌ها افزون بر افزایش غنای پژوهش از هدر رفتن فرصت‌ها و دوباره کاری‌ها پیشگیری می‌کند.

اهمیت کتاب شناسی و مقاله شناسی به اندازه‌ای است که ساموئل جانسون می‌گوید: « دانش بر دو قسم است یکی آنچه که می‌دانیم و دیگر آنچه که تنها می‌دانیم در کجا می‌توان اطلاعاتی درباره‌اش یافت. » (صمیعی، ۱۳۸۵، ۱۵۵۹)

در غرب نخستین کتاب شناسی را جالینوس پزشک یونانی در سده دوم میلادی با عنوان کتاب کتاب‌های من تهیه کرد.

در سال ۷۳۱ میلادی بید (Bede) کتاب تاریخ کلیسای مردم انگلیس را منتشر کرد و در آخر آن شرح حالی از خود، همراه با فهرستی از آثارش را درج کرد.

با اختراع صنعت چاپ نظام آموزشی دگرگون شد و کتابخانه‌ها به سرعت گسترش یافتند. یوهانس تریتمیم (Johannes Trithem) در سال ۱۴۹۴م. کتاب نویسندگان کلیسایی را نوشت در سال ۱۵۰۶ شامپیه (Champier) کتابی حاوی کتاب‌های پزشکی را انتشار داد. کنراد گسنر (Conrad Gesner) در ۱۵۴۵ کتاب شناسی جهان را منتشر کرد. در سال ۱۵۴۸ جان بیبل (John Bale) کتاب نامه‌ای شامل آثار نویسندگان انگلیسی انتشار داد که می‌توان آن را نخستین « کتاب شناسی ملی » به حساب آورد. در سال ۱۵۴۸ فرانسوادولاکرو (Francoisde La Croix) کتاب شناسی فرانسوی را به زیور طبع آراست. گابریل نوده (Gabriel Naude) در سال ۱۶۳۲ کتاب نامه سیاسی را منتشر کرد (همان، ۱۵۶۱-۱۵۶۰).

تألیف کتاب شناسی به معنی مصطلح امروزی در میان مسلمانان مرسوم بوده است. در سال ۳۷۷ ق. ابن ندیم کتاب نامه‌ای با عنوان الفهرست به عربی تدوین کرد که از قدیمی‌ترین کتاب‌شناسی‌های جهان اسلام است در قرن یازدهم هجری مصطفی بن عبدالله مشهور به حاجی خلیفه کتاب کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون را منتشر کرد. این کتاب حاوی نام کتاب‌های اسلامی و شرح احوال مؤلفان آن هاست.

مهم‌ترین کتاب شناسی اسلامی عصر ما الذریعه الی تصانیف الشیعه تألیف شیخ آقا

بزرگ تهرانی است. وی در سال ۱۳۲۹ نگارش کتاب خود را آغاز کرد. این کتاب ۲۶ جلد است و حدود پنجاه هزار کتاب فارسی، عربی و ترکی و اردو را که نویسندگان شیعی مذهب تألیف کرده‌اند، دربرمی‌گیرد.

فهرست کتاب‌های چاپی فارسی از خان بابا مشار در دوره معاصر (۱۳۳۷-۱۳۴۲) در بردارنده چهارده هزار عنوان کتاب‌های چاپی فارسی است. این کتاب شناسی نخستین فهرست نسبتاً جامع کتاب‌های چاپی فارسی به شمار می‌رود (مرادی، ۱۳۷۶، ۴۴-۳۶).

مقاله شناسی یا مقاله نامه که نوعی کتاب شناسی است، سیاهه‌ای از مشخصات مقاله-های منتشر شده در نشریات ادواری است. تاریخ تهیه، تدوین و استفاده از این گروه ابزار مرجع شناسی چندان قدیمی نیست. در سده هیجدهم پس از انقلاب صنعتی و توسعه پژوهش و تحقیق، مقالات علمی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار شدند.

نخستین مقاله شناسی به زبان فارسی در سال ۱۳۴۰ شمسی در سلسله انتشارات دانشگاه تهران با عنوان فهرست مقالات فارسی (جلد نخست) به همت آقای ایرج افشار منتشر گردید. وی بزرگترین مشکل در راه گردآوری مقالات مجله‌ها رادستیایی به دوره‌های کامل مجلات در ایران می‌داند، زیرا هیچ یک از کتابخانه‌های ایران به اهمیت مجلات پی نبردند و بسیاری از آنها داشتن مجلات را کاری لغو می‌شمرده‌اند.

فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات ایران یکی دیگر از مقاله شناسی‌های عمومی است که نخستین شماره آن در بهار ۱۳۵۵ از طرف مرکز اسناد فرهنگی آسیا وابسته به وزارت فرهنگ و هنر منتشر شد.

در زبان انگلیسی چند مقاله شناسی معتبر منتشر می‌شود که برجسته‌ترین آنها *Reader's Guide to Periodical Literature* (راهنمای خوانندگان به مقالات ادواری) است. نخستین شماره آن در سال ۱۹۰۰ میلادی انتشار یافت و هر ساله هیجده شماره منتشر می‌گردد (مرادی، ۱۳۷۶، ۶۴-۶۳).

بیشتر کتاب شناسی‌ها و مقاله شناسی‌ها اعم از عمومی یا اختصاصی و موضوعی همان طور که در پیشگفتار گفته شد تنها به فهرست نویسی از مشخصات عنوان مقاله‌ها بسنده کرده‌اند.

این رساله که مقاله شناسی توصیفی - انتقادی فردوسی و شاهنامه است، در آن هم چکیده‌ای از مقالات آورده شده و هم بررسی و نقد صورت گرفته است.

در این مجال اندک از شرح حال فردوسی می‌گذریم. اظهارات برجسته‌ترین دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی را شادروان ضیاءالدین سجادی در کتابی به نام سخنان گزیده درباره فردوسی و شاهنامه گردآوری، چاپ و منتشر کرده است.

در این بررسی در کنار دریافته‌های درست از زندگی و شخصیت فردوسی و اثر

جاودانه‌اش به برخی داوری‌های بکلی نادرست نظیر معاصر بودن فردوسی با رودکی (محمودی بختیاری، ۱۳۵۴، ۱۰-۱۲)، سنی بودن شاعر (شیرانی، ۱۳۵۵، ۱۱-۱۳)، شاهنامه به خواست محمود غزنوی به نظم درآمده است (مقالات متعددی). فردوسی برای تهیه جهیزیه دختر خود به نظم شاهنامه همت گماشت (مقالات متعددی). بی‌خوابی فردوسی در شبی (آغاز منظومه بیژن و منیژه) سبب نظم شاهنامه شده است (شیرانی، ۱۳۶۹، ۸۳). پیشنهاد چاپ شاهنامه ممه‌ور به مهر رضاشاه پهلوی و تلفظ واژگان آن به شیوه امروزی باشد (داراب، ۱۳۱۲، ۱۹۱). و ... برخورداریم. شگفت آن که برخی از این داوری‌ها از سوی شاهنامه پژوهان نامدار طرح شده است. در این رساله در بخش نقد و نظر به همه این موارد با استناد به گفته‌ها و آرای شاهنامه پژوهان برجسته به طور مستدل پاسخ داده شده است.

درباره برخی موضوعات شاهنامه داوری‌های متناقض وجود دارد. نظیر موضوع مازندران در شاهنامه، در این گونه موارد با تکیه بر منابع اصیل و معتبر داوری شده است.

درباره الحاقی بودن یا نبودن بیت، ابیات و قطعه یا قطعات با استناد به مقالات برجسته متن شناسی شاهنامه و شاهنامه خالقی مطلق که به نظر اهل فن مصحح ترین و منقح ترین متن شاهنامه در حال حاضر است، داوری و نقد شده است.

در شرح ابیات و گزارش‌های متنی تا حد ممکن داوری شده و یا آرای درست‌تر مشخص گردیده در مواردی از این دست برای برخورداری داوری‌ها از اعتبار بیش تر به شاهنامه خالقی مطلق، شاهنامه چاپ مسکو، فرهنگ‌ها و مقالات در پیوند با موضوع مراجعه شده است.

سعی شده هر نکته‌ای که در مقالات جای بحث داشته فرو گذاشته نشود. تا حد امکان فضل تقدم افرادی که در موضوعی خاص مطلبی تازه عرضه کرده‌اند مشخص شده است. اگر نویسنده‌ای در مقاله خود از اثر دیگری بدون یادکرد مأخذ استفاده کرده این موارد نیز تصریح شده است. خود کنار هم قرار گرفتن مقالات در یک جا نوعی غربال‌گری آنهاست. در آثار متعددی نظیر کتاب مهم هزاره فردوسی آمده که منظومه «یوسف و زلیخا» از آن فردوسی است. در این رساله در مقالاتی که به طور اختصاصی به یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی پرداخته‌اند روشن شده که این انتساب بکلی نادرست بوده است.

موضوع هجونا‌مه یکی از مباحث مکرر بسیاری از مقاله‌های حوزه فردوسی و شاهنامه پژوهی است. با تکیه بر آرای برجسته‌ترین فردوسی پژوهان متأخر و متقدم معلوم گردیده هجو نام‌های که در برخی از نسخ شاهنامه وجود دارد، جعلی است و بیشتر ابیات آن یا فراهم آمده از جای جای شاهنامه است یا سروده دیگران که به آن الحاق

شده است.

ارتباط فردوسی با محمود غزنوی نیز یکی از موضوعات تکراری بسیاری از آثار میدان فردوسی و شاهنامه پژوهی است. با استناد به پژوهش‌های دقیق که آغاز نظم شاهنامه را سال ۳۷۰ ق. و جلوس سلطان محمود در ۳۸۷ یا ۳۸۹ ق. دانسته‌اند، نادرستی پیوند فردوسی با دستگاه غزنه به ویژه در پدید آمدن تحریر نخست شاهنامه که در سال ۳۸۴ ق. پایان پذیرفته برای همیشه مردود اعلام می‌شود. فردوسی در اواخر عمر برای حفظ شاهنامه و به دلیل تنگدستی در اواخر عمر (که هرگز از ارزش کارسترگ وی کم نکرده) بنا به توصیه دوستان نسخه‌ای از شاهنامه را به دربار غزنه فرستاده است.

کارنامه فردوسی پژوهی از آغاز تا سال ۱۳۷۰ فراز و فرودهایی داشته است. نقاط عطف آن سال‌هایی است که کنگره‌ها و سمینارهایی برای بزرگداشت فردوسی و شاهنامه برگزار شده است. از جمله جشن هزاره در سال ۱۳۱۳ و چاپ مقالات کنگره در سال ۱۳۲۲ در کتاب هزاره فردوسی، جشنواره توس در سال ۱۳۵۴، کنگره هزارمین سال تدوین شاهنامه در سال ۱۳۶۹. در کنار این سه رویداد عظیم، جلسات سخنرانی و بحث درباره فردوسی و شاهنامه در سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ و برگزاری هفته‌های فردوسی قابل ذکر است.

نخستین فرد مهم و تأثیرگذار در جریان سازی شاهنامه محمدعلی فروغی است. اقدام وی در ساختن آرامگاه فردوسی و برگزاری هزاره فردوسی اهمیت تاریخی پیدا کرده است. مقالات و سخنرانی‌های او راهگشای پژوهندگان بوده است. او همچنین کلیدهای مهمی برای تصحیح شاهنامه به دست داده که هنوز هم جزو اصولی‌ترین پایه‌های تصحیح علمی - انتقادی حماسه ملی ایران محسوب می‌شود. خلاصه شاهنامه فردوسی به انتخاب وی از کلیدی‌ترین و اصلی‌ترین انتخاب‌های شاهنامه و در گسترش آشنایی با شاهنامه و فردوسی بسیار مؤثر بوده است. ایجاد وحدت ملی یکی از دو رکن اساسی اهمیت شاهنامه است. فروغی در مقاله «مقام فردوسی و اهمیت شاهنامه» که اساسی‌ترین مقاله در حوزه شاهنامه پژوهی و فردوسی شناسی است، برای نخستین بار به طور ملموس به این موضوع پرداخته است.

مجتبی مینوی با تأسیس بنیاد شاهنامه و نشر مجله سیمرغ نقطه عطفی در مطالعات شاهنامه پژوهی به وجود آورد. بنیاد شاهنامه با نشر مقالات در عرصه شاهنامه پژوهی و تصحیح داستان‌هایی از شاهنامه نظیر رستم و سهراب، سیاوش و فرود زمینه نقد و بررسی را در این میدان و به ویژه در متن شناسی شاهنامه تقویت کرد. جلال خالقی مطلق برجسته‌ترین متن شناس شاهنامه، مولود بنیاد شاهنامه است.

ذبیح الله صفا از دیگر پژوهندگان تأثیرگذار در روند توجه به شاهنامه بوده استوی بجز

تألیف اثرگرانبهای حماسه سرایی در ایران که به زعم برخی از صاحب نظران معتبرترین کتاب در این زمینه است، سرپرستی کنگره بزرگ جهانی در بزرگداشت فردوسی و شاهنامه که قرار بود در سال ۱۳۶۵ برگزار شود، به عهده داشت. مقدمات کنگره هزارمین سال تدوین شاهنامه در سال ۱۳۶۹ در دوره صفا انجام شده بود. علی رغم وجود مقالات تکراری و کلیشه‌ای برخی پژوهش‌های شاهنامه از جایگاه ویژه و اعتبار بسیار برخوردارند. در حوزه اساطیر شاهنامه مقالات بهمن سر کاراتی به ویژه مقاله « بنیان اساطیری حماسه ملی » بسیار مهم و قابل اعتناست.

- مقاله « مقام فردوسی و اهمیت شاهنامه » نوشته محمد علی فروغی در تبیین نقش فردوسی در ایجاد وحدت ملی بسیار اهمیت دارد.

- « شاهنامه برای دریافت صله سروده نشده است. » نوشته احمدعلی رجایی، این موضوع که نظم شاهنامه به خواست محمود غزنوی بوده، برای همیشه منتفی ساخته است.

- مقاله « کتاب هزاره فردوسی و بطلان انتساب یوسف و زلیخا به فردوسی » از مجتبی مینوی با دلایل مستند و قاطع انتساب نادرست « یوسف و زلیخا » را به فردوسی الغا نموده است. البته پیش از مینوی محمود خان شیرانی رد این انتساب اثبات کرده بود.

- درباره زبان شاهنامه مقالات « زبان فردوسی و زبان ما » از غلامحسین یوسفی، « استفاده از شاهنامه در واژه سازی فارسی » نوشته جعفر شعار و « شیوه واژه گزینی فردوسی در شاهنامه » از خسرو فرشید ورد شاخص و معتبر می‌باشند.

- در حوزه بلاغت فردوسی مقاله « موسیقی کلمات در شعر فردوسی » نوشته غلامحسین یوسفی، اهمیت ویژه دارد.

- درباره زندگی نامه فردوسی مقاله « فردوسی » نوشته ملک الشعرا بهار و مقاله « تأملی دیگر در سال شماری زندگی فردوسی »، از محمدامین ریاحی بسیار قابل توجه است.

- در حوزه مطالعات متن شناسی و شرح و گزارش ابیات مقالات خالقی مطلق برجسته و شاخص هستند.

- نکات اساسی درباره فردوسی و شاهنامه به ویژه هجونامه در مقاله « فردوسی و مقام او » از مجتبی مینوی اهمیت خاص دارد.

به جز آثار شاخص و برجسته مقالات خوب و ارزشمند فراوانی در موضوعات گوناگون شاهنامه پژوهی و فردوسی شناسی پدید آمده که ذکر همه آن ها به درازا می‌کشد. برخی از موضوعات مهم در پیوند با شاهنامه و فردوسی که از غربال کردن مقالات به دست آمده، از قرار ذیل است:

- مسأله احراز هویت ملی و تحکیم اساس متزلزل قومیت ایرانی از مهم ترین خدمات فردوسی به ایران و ایرانیان بوده است (فروغی، ۱۳۱۳، ۷-۸).

- شاهنامه ستون استوار زبان فارسی است (خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ۱۱).

- نقش شاهنامه در مقاومت ایرانیان در برابر فرهنگ اقوام مهاجم انکار ناشدنی است (میهن دوست، ۱۳۶۹، ۱۲۴-۱۲۵).

- خداینامه مأخذ شاهنامه نثر ابو منصور بوده و شاهنامه ابومنصوری منبع اصلی شاهنامه فردوسی (بهار، ۱۳۶۹، ۵۷-۶۰).

- در پژوهش های متأخر، استفاده فردوسی از منابع شفاهی به شدت رد شده است (خالقی مطلق، ۱۳۸۰، ۵۵۹-۶۰۱).

- تدوین شاهنامه در سال ۳۸۹ق. که در برخی مقالات راه یافته نادرست است (فروغی، ۱۳۵۱، ۸۲-۸۳).

- سه تحریر شاهنامه در سال های ۳۸۴، ۴۰۰ و ۴۰۵ از سوی شاهنامه پژوهان برجسته پذیرفته شده است (ریاحی، ۱۳۷۰، ۴۸۷).

- فردوسی در به کار نبردن واژگان عربی در شاهنامه تعمّدی نداشته است (حبیب اللهی، ۱۳۵۷، ۲۲-۲۶).

- بسیاری از شاهنامه پژوهان برجسته پهلوی دانی فردوسی را با آن که مورد پذیرش برخی از شاهنامه پژوهان قرار گرفته است، به شدت رد کرده اند (بهار، ۱۳۴۵، ۱۰۵-۱۳۶).

- عدد ابیات شاهنامه حدود ۴۸ هزار بیت است (خالقی مطلق، ۳۷۴، ۱۳۸۰).

- تقسیم شاهنامه به سه دوره اساطیری، پهلوانی و تاریخی نادرست است. زیرا به آسانی و با خطی روشن و مستقیم نمی توان سه دوره را از یکدیگر جدا کرد (مزدپور، ۱۳۶۹، ۵۳-۵۴).

- موضوع تقلیدی بودن هفت خان رستم و اسفندیار از یکدیگر نادرست است. مطابق سنت های بسیار کهن حماسی رایج در میان مردمان هند و اروپایی، هر پهلوان ناگزیر بود پس از برنا شدن از خان هایی بگذرد تا به کمال برسد (سرکاراتی، ۱۳۵۷-۱۴۶-۱۴۵).

- حامی فردوسی در آغاز نظم شاهنامه ابومنصور عبدالرزاق نبوده بلکه پسر ابومنصور بوده که شاهنامه نثر ابومنصوری را در اختیار فردوسی گذاشته و تا مدت ها از وی حمایت کرده است (خالقی مطلق، ۱۳۵۶، ۲۰۵-۲۰۸).

- ابیاتی که در آن ها اعراب نکوهش شده اند، از الحاقیات شاهنامه است (خطیبی، ۱۳۸۴، ۱۴-۲۰).

- بیت « زن واژدها هر دو در خاک به / جهان پاک از این هر دو ناپاک به » که بیش تر بر اساس آن فردوسی زن ستیز معرفی شده، سروده فردوسی نیست (آیدنلو، ۱۳۸۷، ۶۵-۶۸).
- از چند دلیل مشهور اختلاف محمود با فردوسی، تعصب دینی محمود (ریاحی، ۱۳۶۹، ۹-۱۵) و اختلاف نژادی وی با شاعر (امیدسالار، ۱۳۸۱، ۲۴۳-۲۴۶) با پژوهش‌های متأخر سست شده است.
- فردوسی بر عربی مسلط نبود. فرهنگ و زبان عربی به آسانی نمی توانست در طبقه دهقانان که پاسداران روایات ملی بودند، نفوذ کند (خالقی مطلق، ۱۳۵۵، ۱۰۲).
- زبان شاهنامه از زبان متداول مردم عصر فردوسی کهنه‌تر نبوده، زبان شاهنامه را مردم امروز پس از گذشت هزار سال می‌فهمند، چگونه ممکن بوده، مردم روزگارش نفهمند (حبیب الهی، ۱۳۵۷، ۲۳-۳۳).
- نشانه‌هایی از تندیس نخستین انسان در سیاهوش نیز دیده می‌شود (خالقی مطلق، ۱۳۶۲، ۲۲۱-۲۲۶).
- منظور از مازندران در شاهنامه فردوسی شمال ایران نیست. اطلاق مازندران به طبرستان پس از فردوسی و از قرن ششم به بعد بوده است (کریمان، ۱۳۷۵، ۱۴۰-۱۵۱).
- رستم را باید در جایگاه حقیقی او، حماسه جستجو کرد نه در اسطوره و تاریخ (سرکاراتی، ۱۳۵۷، ۱۱۸-۱۴۸).
- به احتمال زیاد شاهنامه مورد استناد شاعران معاصر فردوسی، شاهنامه فردوسی نبوده است (لسان، ۶، ۱۳۵۴-۷).
- بسیاری از اندیشه‌های خیام در شاهنامه وجود دارد (فروغی، ۱۳۱۳، ۱۵).
- کشتن افراسیاب خویش کاری کیخسرو بوده است. پشیمانی وی از کشتن نیا که در برخی مقالات آمده، نادرست است (ثاقب فر، ۱۳۴۹، ۱۷-۳۱).
- تعبیر شاهکار مشهور و ناشناخته برای شاهنامه بسیار صدق می‌کند. در جهان بسیاری از نویسندگان و شاعران از فردوسی و شاهنامه برداشتی سطحی و نادرست دارند. محتوای آثار آن‌ها بیش تر متأثر از افسانه‌های مندرج در تذکره‌هاست. اغلب می‌پندارند فردوسی شاهنامه را در ازای پاداشی که محمود به او وعده داده بود، سروده است (هاینه، ۱۳۵۲، ۵-۶).
- پژوهشگران شاهنامه را بیشتر با/بیلیاد مقایسه می‌کنند و به بیان دیگر این دو را در یک ردیف می‌دانند. در حالی که/بیلیاد تنها قابل مقایسه با یک داستان از داستان‌های شاهنامه اند. شاهنامه از نظر موضوع و انگیزه سراینده آن بسیار بالاتر از منظومه‌های یونانی قرار دارد (بدوی، ۱۳۴۳، ۲۷۳-۲۷۴).

نسخ موجود از شاهنامه اساسی ترین ابزار تصحیح شاهنامه است پراکندگی این نسخه ها در جهان قابل تأمل است. مریکا بالاترین تعداد شاهنامه های خطی جهان رامالک است. بدون آن که کار فرهنگی قابل توجهی روی آن انجام داده باشد.

- شوروی با این که نسبتاً کمترین نسخه های شاهنامه را در اختیار دارد در مقایسه با ملل دیگر بیشترین پژوهش ها را درباره شاهنامه صورت داده است.

- ترکیه پس از آمریکا بیشترین و با ارزش ترین نسخه های شاهنامه را در اختیار دارد.

- هندوستان نیز از مراکز مهم چاپ و نگهداری شاهنامه بوده است.

- انگلستان که رابطه اقتصادی - فرهنگی طولانی با ایران داشته شاهنامه های موجود در آن کمتر از امریکا است (سرمدی، ۱۳۷۰، ۱۷۰-۱۷۱).

از خلال بررسی مقالات، روشن گردید که جای برخی پژوهش ها خالی است یا کم تر تحقیق شده است نظیر:

- روزگار فردوسی و شرایط سیاسی - اجتماعی آن بسیار دقیق مورد توجه پژوهندگان قرار گیرد.

- مطالعات عمیق و دقیقی درباره اندیشه فردوسی انجام شود. با توسعه صنعت چاپ در متن شاهنامه دخل و تصرف کمتر صورت می گیرد. اما اندیشه فردوسی در طول زمان مورد استفاده ابزاری قدرت ها بوده است.

- هویت حامیان فردوسی و کسانی که نقشی در پدید آمدن شاهنامه داشته اند، روشن گردد پژوهش های انجام شده تنها کاری که صورت داده اختلاف قرائت این نام ها بوده (اقبال، ۱۳۲۶، ۱۶۰-۱۶۱). البته پژوهش محیط طباطبایی و خالقی مطلق در شناسایی پسر ابومنصور عبدالرزاق به عنوان شخصی که شاهنامه ابومنصوری را در اختیار فردوسی گذاشت و او را تا مدتی حمایت کرد، استثناست.

- شاهنامه با منظومه های پهلوانی ادب فارسی کمتر مقایسه شده است. در این ۱۰۰۷ مقاله تنها در دو سه مقاله شاهنامه با برخی از متون پهلوانی نظیر گرشاسپ نامه و کوش نامه مقایسه شده است.

- تأثیر شاهنامه در ادبیات و فلکلور ملل همسایه اعم از نامها، مضامین و حکمت های شاهنامه بررسی شود.

- جای پژوهش های دقیقی درباره فرهنگ عامه و آداب و رسوم ایرانیان در شاهنامه خالی است.

- دیباچه شاهنامه از بخش هایی است که هنوز پژوهش های زیادی می توان درباره آن انجام داد.

- دشمنی محمود با تشیع و ایرانیان به عنوان دلایل اختلاف محمود غزنوی با فردوسی از سوی برخی از پژوهشگران رد شده است. از این رو بررسی جدی اختلاف

محمود با فردوسی در مطالعات حوزه فردوسی شناسی و شاهنامه پژوهی ضرورت دارد.

- عناصرداستانی داستانهای شاهنامه بررسی گردد.

- برخورد حکومتها و پادشاهان با شاهنامه به طور جدی مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

- درباره « هروم » کشور زنان در شاهنامه (موسوی، ۱۳۵۴، ۱۶۷-۱۶۹) (در پادشاهی اسکندر) و مطابقت آن با منابع تاریخی بررسی شود.

- کلمات عربی در شاهنامه، نوشته محمدجعفر معین فر به زبان فرانسه نوشته شده است، ترجمه این کتاب با توجه به اهمیت آن از دیدگاه آماری ضرورت دارد.